

گزارشی از سلسله نشست‌های عصر پنجشنبه در کتاب‌فروشی به‌نشر در بلوار امامت

در پناه کلمات

آشنایی کودکان با کتاب

سراغ سعید جعفرزاده، مسئول فروشگاه به‌نشر شعبه بلوار می‌رویم و از او در مورد این دورهمی می‌پرسیم. او می‌گوید: سلسله نشست‌های برنامه در پناه کلمات چند هفته‌ای است که هر پنجشنبه از ساعت ۸ تا ۹ شب در حال برگزاری است.

وی هدف از برگزاری این برنامه را این‌طور بیان می‌کند: آشنایی بیشتر کودکان با کتاب در قالب برنامه‌ای شاد که با همکاری کانون پرورش فکری کودک و نوجوان و با حضور مربیان کانون صورت می‌گیرد که رده سنی در نظر گرفته شده، پیش دبستانی و دبستان است.

جعفرزاده در معرفی بخش‌های مختلف برنامه می‌گوید: نمایش زنده، قصه‌گویی، شعرخوانی، همخوانی، نمایش خلاق و مسابقه بخش‌هایی هستند که هر هفته با معرفی یک کتاب همراه است.

وی اشاره به استقبال خوب خانواده‌ها و فرزندان شان دارد و می‌گوید: با توجه به اینکه تبلیغات ما به صورت محدود بوده، ولی استقبال خیلی خوب بوده است و هر هفته تعداد شرکت‌کنندگان بیشتر می‌شود. این برنامه تا پایان شهریور ماه، هر پنجشنبه برگزار می‌شود و ورود برای عموم آزاد و رایگان است.

شیوه‌های متنوع

کنار میز ایستاده است و بچه‌ها با دوه‌سمتش می‌روند و او را خاله خطاب می‌کنند. سارا امیدوار، مربی خنده‌رویی است که ۱۷ سال سابقه کار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دارد و در حال حاضر برگزاری جلسه‌های در پناه کلمات را به عهده گرفته است. سراغش می‌روم و می‌خواهم بیشتر در مورد برنامه توضیح دهد. او می‌گوید: با توجه با صحبت‌هایی که مسئولان به‌نشر داشتند، قرار شد با هدف ترغیب بچه‌ها به کتابخوانی و مطالعه، برنامه‌ای مستمر داشته باشیم و هفته‌ای یک کتاب به بچه‌ها معرفی کنیم.

شیوه معرفی کتاب در این جلسات متنوع است. امیدوار در این باره می‌گوید: اگر قرار باشد کتاب‌ها در قفسه قرار بگیرد و بچه‌ها شناخت از محتوای کتاب‌ها نداشته باشند قطعاً انتخاب برای شان سخت می‌شود، ما در این برنامه هر

هفته به شکل‌های مختلف معرفی کتاب داشته‌ایم؛ به روش قصه‌گویی، شعرخوانی و این هفته معرفی کتاب‌مان در قالب نمایش است، به این صورت که دو نفر از مربیان کانون که نمایش‌های زیادی را تاکنون برای کودکان برگزار کرده‌اند، قصه‌ای از یک کتاب را انتخاب و در قالب نمایش اجرا می‌کنند و در پایان نمایش کتاب معرفی می‌شود.

فرهنگ‌سازی نیاز به زمان دارد

این مربی با تجربه در خصوص تأثیرات برگزاری این برنامه‌ها خاطرنشان می‌کند: از آنجایی که در مهدها و مدارس شیوه درستی از کتابخوانی برای بچه‌ها ارائه نمی‌شود و همیشه به صورت جدی با آنها برخورد شده است، وقتی خانواده‌ها به کودکان‌شان می‌گویند کتاب بخوانند ناراحت می‌شوند و واکنش‌های منفی نسبت به کتاب خواندن از خود نشان می‌دهند. برای همین وقتی بچه‌ها در چنین فضایی با شیوه‌ای متفاوت از مدرسه در معرض کتاب قرار می‌گیرند. برای‌شان جذاب است و استقبال می‌کنند و به کتابخوانی علاقه‌مند می‌شوند.

امیدوار در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: خدا را شکر این طرح مورد استقبال خانواده‌ها و بچه‌ها قرار گرفته است. البته تعداد بچه‌ها آن هم به صورت اعداد و ارقام برای ما مهم نیست، مهم سطح کیفی برگزاری جلسات است و همین که هر هفته استقبال بیشتر می‌شود و تعدادی از بچه‌ها به صورت مداوم هر هفته می‌آیند، قطعاً انگیزه‌ی ما را برای ادامه برنامه بیشتر می‌کند. وقتی از او در مورد برگزاری جلسات و تأثیر آن در فرهنگ‌سازی می‌پرسیم، می‌گوید: برای فرهنگ‌سازی نیاز به تداوم و زمان است و ما با برگزاری چند هفته جلسه نمی‌توانیم ادعای فرهنگ‌سازی کنیم، ولی مطمئن هستیم گامی رو به جلو برای فرهنگ کتابخوانی در کودکان جلو است.

وقتی بچه‌ها نویسند می‌شوند

به کتاب‌های به نمایش گذاشته شده از بچه‌ها در فروشگاه اشاره می‌کنم و امیدوار می‌گوید: هفته پیش بود که بچه‌ها را در گروه‌های ۶ نفری قرار دادیم و ابزار و وسایل در اختیارشان گذاشتیم و از آنها خواستیم کتاب درست کنند. در آن جلسه بچه‌ها با صفحه‌مولف و اسم انتشارات آشنا شدند و هر گروه قصه‌ای را بر پایه تصاویری که کشیده بودند نوشتند و

در پایان بچه‌ها آنقدر با اشتیاق کتاب‌شان را به خانواده‌هایشان نشان می‌دادند که تصمیم گرفته شد، کتاب‌ها را به عنوان دستاورد جلسه در فروشگاه به نمایش بگذاریم. او از حفظ شعر بچه‌ها در یک زمان نیم ساعت می‌گوید: مادر یکی از هفته‌ها برگزاری حفظ یک شعر را داشتیم. در ابتدا کلمه به کلمه و بعد مصرع و بعد به صورت کامل داشتیم و این برای خانواده‌ها خیلی جالب بود که فرزندشان توانسته در یک زمان نیم ساعت یک شعر را حفظ کند.

نمایش خلاق

از نمایشی که قرار است در هفته‌های بعدی توسط بچه‌ها اجرا شود می‌پرسم و می‌گوید: ما یک نمایش خلاقانه را در نظر گرفته‌ایم، در این کار قصه‌ای را برای بچه‌ها می‌خوانیم و از بچه‌ها می‌خواهیم که هر کدام یکی از شخصیت‌های قصه باشند و تقریباً نمایش به صورت بداهه است. در واقع این نمایش فرآیند محور نیست، بلکه برآیند محور است. اینکه بچه‌ها قرار باشد خیلی درست و دقیق نمایش را اجرا کنند هدف نیست، بلکه هدف همکاری آنها و درک‌شان از کار گروهی است و اینکه مهارت‌های گفتاری‌شان بالا برود.

حرف‌های شنیدنی

صندلی‌ها پر شده است و با تشویق بچه‌ها نمایش شروع می‌شود و پهلوان قصه با شاگردش نمایش را شروع می‌کند و بچه‌ها تمام حواس‌شان به نمایش است، در پایان نمایش وقتی مربی می‌خواهد درسی که از نمایش گرفته‌اند را بگویند امیرعلی اولین نفری است که دستش را بالا می‌برد و می‌گوید: نباید مغرور باشیم.

سراغش می‌روم کتاب‌های شاهنامه دستش است، می‌گوید سومین هفته است در این برنامه شرکت می‌کند و نمایش را دوست داشته است. و قصه‌های خوبی را با نمایش یاد گرفته است. مادر یکی دیگر از کودکان می‌گوید: برگزاری این گونه نشست‌ها برای بچه‌ها خیلی خوب است و فرزندم هر پنجشنبه از صبح یادآوری می‌کند که عصر او را به اینجا بیاورم.

آنپسا مهدکودکی است و دومین هفته است که می‌آید و با همان زبان شیرین قصه‌ای که یاد گرفته است را تعریف می‌کند و با خوشحالی کتابی را که جایزه گرفته نشان می‌دهد. در این برنامه فرهنگی کودکان لایه‌لای کتاب و قصه و نمایش هستند و از این طریق زندگی را شیرین می‌آموزند.

